معرفی یکی از آثار بازیافته محمد زکریا رازی و نکته ای درباره زندگی او

حائری

در فهرست‏ها و کتابهای تاریخ طب و فلسفه برای محمد بن زکریای رازی پزشک‏ بلندقدر ایرانی رسائل و کتابهای بسیاری یاد گردیده و از آن میان تنها تعدادی اندک از آثار فلسفی او تاکنون بدست ما رسیده و فقراتی از آراء او را نیز که شاید نقل بمعنی شده‏ باشد در کتابها یافته‏ایم.

یکی از آثار پرارج او رساله‏ایست درباره«داء خفی».

این رساله در فهرست ابن ندیم عیون الانباء فی طبقات الاطباء چاپ اول مصر ج 1-7 ص 320،فهرست کتب رازی تألیف بیرونی‏1ذکر شده‏2اما تاکنون نسخه‏ای‏ از آن بدست ما نرسیده و در فهرست کتابخانه‏ها نشانی از آن نیامده بود.

آقای دکتر نجم‏آبادی که سالها است دربارهء زندگی و آثار رازی و تاریخ پزشکی‏ تحقیق میکنند پس از ذکر نام رساله نوشته‏اند:«از عنوان فوق مستفاد میشود که در باب‏ ابنه و درمان آنست بنسخه آنرا تابحال ندیده‏ام.»

این بنده چند ماه پیش هنگامیکه کتب اهدائی مرحوم سید محمد صادق طباطبائی‏ را در کتابخانه مجلس برای فهرست کردن برطبق معمول بررسی و مطالعه میکردم به مجموعه‏ای‏ (1)-ص 960 بنقل پول کراوس در«فهرست کتب رازی از بیرونی»:

(2)-یونسکو خلاصه‏ای از این فهرست را بضمیمه متن«السیرة الفلسفیه»رازی و ترجمه عباس اقبال و ترجمه مقدمه پول کراوس و بضمیمه احوال و آثار رازی بکوشش آقای‏ دکتر مهدی محقق انتشار داده است.

وحید » شماره 14 (صفحه 79)

نفیس دست یافتم که همه رساله‏های موجود در آن نفیس و برخی از آنها نایاب و یا کمیاب‏اند.

یکی از رساله‏های این دفترچه رسالهء نادر محمد زکریای رازی است.درباره‏ «داء خفی».

ما در این مقاله نخست دربارهء این رساله سخن میگوییم و سپس به معرفی دیگر رسائل این دفتر و بیان مشخصات آنها می‏پردازیم.

این رساله از دو نظر دارای اهمیت فراوانست.

الف-یکی از آثار باریافته و مهم پزشک بلندقدر ایرانی است.زیرا همانطور که‏ در آغاز مقاله عرض شد تاکنون ازین رساله رازی جز نامی‏1نمیدانستیم.و تنها نسخهء این‏ رساله که از وجود آن اطلاع داشتیم(بجز نسخهء ما)نسخه‏ایست که در قرن ششم مورد مطالعهء اسعد بن الیاس پزشک قرار گرفته و در کتاب بستان الاطباء2خود از این رساله مطلبی نقل کرده که‏ هم زندگانی رازی را برای ما روشنتر ساخته و هم خود سندیست قاطع برای صحت نسبت‏ این نسخه ما باد و اثبات اینکه این نسخه همان رسالهء«داء خفی»محمد بن زکریا است.

دیگر اهمیت این رساله از نظر مطالب و محتویاتست.رازی در این رساله بیماریی را که یاد کرد آن در شمار بیماریها از نظر مردم هزل‏آمیز و اصولا سوژه‏ای فکاهی است.(و نگارنده‏ برای رعایت همین نکته بآقای محیط اقتدا کرد و نام صریح آنرا نیاورد)از نظر علم پزشکی‏ کاملا قابل توجیه دانسته و نشانها و عوامل آنرا یاد کرده و در ضمن استدلال علمی و بیان عوامل‏ بیماری مزبور بیکی از مسائل پزشکی اشاره کرده که اکنون جزء تازه‏ترین پدیده‏های طب‏ مترقی بشمار است.و این مسئله«امکان مرد شدن زنها و زن شدن مردها است بدین بیان‏ که بعضی از مردان مرد کامل نیستن و آنان را میتوان تبدیل به زن کرد و همچنین بعکس».

البته رازی راهی برای عملی ساختن این نظر نشان نداده و داوری دربارهء درست‏ یا نادرست بودن استدلال‏های وی در این رساله نیز بر عهده پزشکاست.اما مسلم آنست که‏ (1)-نام رساله در مدارک مزبور با اختلاف یادشده بیرونی و ابن ندیم«رساله‏ فی علاج...یا علاجات...»خزرجی و اسعد بن الیاس رساله فی...آورده‏اند.

(2)-بستان الاطبا تألیف اسعد بن الیاس شاهی از پزشکان قرن 6 نخست مسیحی‏ بود و سپس مسلمان شد و در 587 درگذشت.

(معجم الاطباء ذیل عیون الانبار ص 135-136)

نگارنده اطلاع خود را بر وجود مطلب مزبور در بستان الاطباء رهین لطف آقای‏ محیط طباطبائی است.ایشان که در باب زندگی محمد بن زکریای رازی تحقیقات دقیق و سودمندی دارند.نوشته بستان الاطباء را برای نگارنده و در مقالهء ممتع خود بفائده مهم‏ تاریخی آن اشارت کردند.

بدست آمدن این نسخه مژده‏ای است بزرگ برای معظم له و همه دانشمندانی که‏ دربارهء سرگذشت و زندگی محمد بن زکریا تحقیق میکنند.